

The Moral Advice of 'Minooye Kherad' and its Effect on Ferdowsi's Shahnameh

Mahmoud Mahjouri *

Ph.D. student of Persian language and literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran,
mahjouri11@yahoo.com

Ebrahim Estaji

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran,
ebrahimestaji@yahoo.com

Abdollah Gholami

M.A in Ancient Languages and Languages, Hamedan University, Hamedan, Iran, aaaa_gholami@yahoo.com

Zahra Mirnezhad

PhD Student, Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
mirnezhad.zahra@yahoo.com

Abstract

'Minooye Kherad' is one of the most significant letters of advice in the Middle Persian Period and the Pahlavi literature, including the books of Behdinan. This rather short book is full of the wise and beautiful religious and practical advice in diverse fields. Shahnameh, the master piece of Ferdowsi is the essence and protector of the ancient Persian culture. The research focuses on whether the book 'Minooye Kherad' has influenced the contents of Shahnameh or not. It also studies whether Ferdowsi has been inspired by this book or not. The descriptive-analytic methodology is based on studying the books, articles and analyzing different data. The result of this research indicated that Shahnameh has been influenced by this short book in the concepts related to moral advice. The great role of wisdom in Shahnameh emerges from the culture of Ancient Persia. And the book 'Minooye Kherad' has had a significant role in transferring this valuable characteristic. Ferdowsi is not the creator of these moral concepts, but he has added to the richness of these moral concepts by the help of his literal and artistic talents and has offered them to his audiences in his Master piece 'Shahnameh'.

Keywords: Moral Advice, Wisdom, Culture of Ancient Persia, Minooye Kherad, Shahnameh

* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره سوم (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۴۷-۱۶۴
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

اندرزهای مینوی خرد و تأثیر آن بر شاهنامه فردوسی

محمود مهجوری* - ابراهیم استاجی** - عبدالله غلامی*** - سیده زهرا میرنژاد****

چکیده

مینوی خرد یکی از مهم‌ترین اندرزنامه‌های دوره فارسی میانه و ادبیات پهلوی و از متون به‌دینان است. این اثر کم‌حجم، سرشار از پند و اندرزهای زیبا و خردمدارانه دینی و تجربی در زمینه‌های گوناگون است. شاهنامه اثر بزرگ فردوسی، چکیده و میراث‌دار فرهنگ ایران باستان و پیش از اسلام و نیز نگهدارنده این فرهنگ از خطر نابودی است. مسئله پژوهش این است که آیا پند و اندرزهای مینوی خرد بر شاهنامه تأثیر گذاشته و آیا فردوسی به این اندرزنامه خردمحور توجه داشته است؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و برپایه مطالعه متون و مقالات، همچنین گردآوری شاهدها و بیان تأثیرات است. نتیجه بررسی دو اثر، بیانگر تأثیر این خردنامه کوتاه بر شاهنامه بزرگ در زمینه‌های گوناگون پند و اندرز است. جایگاه والای خرد در شاهنامه در فرهنگ ایران باستان ریشه دارد و مینوی خرد در انتقال این موضوع به شاهنامه نقش بسزایی داشته است. فردوسی تنها گزارنده این مفاهیم اخلاقی نیست؛ بلکه با قریحه و ذوق هنری و ادبی بسیار خود، بر غنای این مضامین افزوده؛ آنها را پرورده و به مخاطبان خود عرضه کرده است.

واژه‌های کلیدی

پند و اندرز، خرد، فرهنگ ایران باستان، مینوی خرد، شاهنامه

مقدمه

خرد یکی از مفاهیم اصلی در فرهنگ و تمدن ایرانی است. این مفهوم در شمار اصطلاحاتی است که برخلاف ظاهر آشنای خود، حقیقتی بسیار پیچیده دارد. بی‌تردید بنیان اصلی تمدن و فرهنگ بر محور خرد است (ر.ک: صرفی،

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسؤول) mahjouri11@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران ebrahimestaji@yahoo.com

*** کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه همدان، همدان، ایران aaaa_gholami@yahoo.com

**** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران mirnezhad.zahra@yahoo.com

۱۳۸۳: ۶۶-۶۷).

در ابتدا شایسته است واژه خرد در حوزه زبان و فرهنگ ایران باستان بررسی شود. در *اوستا* واژه *xratau-* اسم مذکر است و به معنای «خواستن، تدبیر، هدف، مشورت، پند، هوش، فهم، خرد و عقل» به کار رفته است (Barthlomeae, 1961:335). در فارسی باستان *xraθu-* به معنی خرد است (Kent, 1953:180). در زبان پهلوی *xrad* به معنی خرد و عقل است (ر.ک: مکنزی، ۱۳۷۹: ۱۶۴).

پند و اندرز از ارکان اساسی و بسیار مهم در متون فارسی میانه است؛ به گونه‌ای که بخش بسیاری از متون پهلوی درباره این موضوع است و همین، اهمیت این مسئله را در نزد ایرانیان باستان نشان می‌دهد. این مضامین اندرزی بیشتر از اندیشه‌های دینی سرچشمه گرفته‌اند و بر تجربه بشری و اصل خردورزی تکیه دارند. هر اندرزی مبتنی بر هنجارهای اجتماعی است و در واقع فشرده‌ای از آداب و رسوم و حکمت و جنبه‌های مختلف حیات جامعه و تفکر قومی است؛ بنابراین در بردارنده برداشت و جهان‌بینی فرهنگ‌های بشری در مکان‌های مختلف است. اندرزنانه‌های پهلوی نمونه اصلی از آثار اندرزی ایرانی است. سنت نگارش این گونه ادبی به دوران کهن‌تر بازمی‌گردد. اندرزنانه‌های پهلوی به ویژه با ترجمه به ادب فارسی و نیز عربی راه یافت و اینچنین این گونه ادبی ادامه یافت (مزدپور، ۱۳۸۶: ۱۶).

مینوی خرد یکی از متون‌های فارسی میانه است که پند و اندرز در آن نقش اصلی دارد. این اثر در بردارنده پرسش‌ها و پاسخ‌های دانا و مینوی خرد است. تکیه اصلی کتاب، تأکید بر دینداری و اخلاق‌مداری بر پایه توجه ویژه به خرد است. خرد در این اثر، تکیه اصلی متن است و همواره در سراسر این اثر از آن یاد می‌شود. این مقدار توجه به خرد، در *شاهنامه* فردوسی نیز دیده می‌شود؛ در واقع این اثر بر بنیاد خرد و خردورزی نهاده شده است؛ زیرا همواره و در همه مسائل و رویدادها ملاک و معیار سنجش، خرد است. ستایش و توصیف خرد در *مقدمه شاهنامه* چنان پررنگ است که این مقدمه را *خردنامه شاهنامه* می‌توان نامید.

در مینوی خرد درباره خرد و ابعاد گوناگون آن سخن می‌رود. زرن معتقد است خرد در مینوی خرد با *اهورامزدا* متفاوت است و ماهیتی خلق‌نشده دارد. خرد در این اثر از آغاز همراه با *اهورامزدا* است و با قدرت او آفرینش آغاز می‌شود (ر.ک: زرن، ۱۳۸۴: ۳۱۲).

شاهنامه فردوسی از حکمت خسروانی ایران باستان سیراب شده و مانند گنجینه‌ای است که آموزه‌ها و باورهای ایران باستان را پالوده و در درون خود نگاه داشته است. مینوی خرد یکی از متن‌های ناب فارسی میانه با درون‌مایه‌ای اندرزی است که نگارش آن به دوران ساسانی برمی‌گردد. این اثر بی‌گمان بر حکمت فردوسی در بیان اندیشه‌ها و رهنمودهای اخلاقی - اندرزی، تأثیر ژرفی گذاشته است.

پیشینه پژوهش

چند اثر از پژوهشگران معاصر می‌توان برشمرد که درباره مضامین اندرزی و یا آثاری مرتبط با این موضوع نوشته شده است. مهم‌ترین پژوهش‌ها در این باره عبارت است از: ترجمه تفضلی از کتاب مینوی خرد (مینوی خرد، ۱۳۵۴)، شکوه خرد در *شاهنامه* فردوسی: سنجش تحلیلی کنش شخصیت‌ها در *سنجه خرد* (رضایی دشت‌ارزنه، ۱۳۹۳)، فرهنگ خرد در *شاهنامه* (طالبی و راشد محصل، ۱۳۹۳)، *دانش و خرد فردوسی* (شفیعی، ۱۳۵۰)، *جاذبه‌های فکری فردوسی* (رنجبر، ۱۳۶۹)، *جاویدان خرد* (ابن مسکویه، ۱۳۵۵). در کتاب *پژوهش‌هایی در شاهنامه* (کوریجی کویاجی، ۱۳۷۱) نیز

در این زمینه مطالعاتی شده است.

افزون بر آنچه بیان شد، پایان‌نامه‌هایی نیز در این باره انجام شده است؛ برای نمونه بررسی سه *اندرزنامه پهلوی* (اندرز آذرباد مارسپندان، اندرز دستور بهدینان و اندرز خیم و خرد) و مقایسه آنها با *اندرزهای دوره اسلامی* (هاوشکی، ۱۳۸۹) است که در آن سه *اندرزنامه پهلوی* با *اندرزهای دوره اسلامی* مقایسه شده است. *پایان‌نامه بازتاب دین و فرهنگ مزدایی در شاهنامه* (بررسی تطبیقی باورها، آیین‌ها و اندرزهای شاهنامه با *اوستا*، متون پهلوی و *پازند*) (قاسم‌پور، ۱۳۸۸) که نمودهای اساطیری و دینی و فرهنگی ایران باستان را در *شاهنامه* بررسی می‌کند. *موعظه و حکمت در شاهنامه فردوسی* (نیکدار اصل، ۱۳۷۸) نیز *پایان‌نامه دیگری* در این موضوع است.

پژوهش‌های دیگر در این باره عبارت است از: «مفهوم خرد و خاستگاه‌های آن در *شاهنامه فردوسی*» (صرفی، ۱۳۸۳)، «پندها و اندرزها» (شاهین، ۱۳۹۰)، «پندها و اندرزهای *شاهنامه*» (صدرمحمدی، ۱۳۸۱) و «*شاهنامه فردوسی*، پندها و اندرزها» (معظمی گودرزی، ۱۳۸۶). گفتنی است اثر مستقلی که متن *مینوی خرد* را با *شاهنامه* مقایسه کرده باشد، ارائه نشده است؛ بنابراین انجام چنین پژوهشی لازم بود.

پیشینه اندرزنامه‌ها

دوره ایرانی میانه از سال ۳۳۰ پیش از میلاد تا ۶۶۱ میلادی را در بر می‌گیرد. سنت نگارش آثاری به زبان فارسی میانه در سده‌های ابتدایی اسلامی همچنان ادامه یافت؛ گفتنی است بسیاری از آثار ارجمند فارسی میانه که اکنون در دست است و اطلاعات گران‌بهایی درباره دین و باورها و آموزه‌های ایران باستان به دست می‌دهند، در سده‌های نخستین اسلامی نوشته شده‌اند.

آثار فارسی میانه غربی (متون پهلوی زردشتی) به چهار دسته تقسیم می‌شود: «دسته نخست: ترجمه‌های *اوستا* به پهلوی؛ دسته دوم: آثار و متون و تفاسیر دینی؛ دسته سوم: متون و ادبیات اندرزی؛ دسته چهارم: آثار و متون تاریخی» (قادری، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

احمد تفضلی درباره این آثار می‌نویسد: «آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر آثار دینی زردشتی است... و برای شناخت دین زردشتی زمان ساسانی و پی‌بردن به اسطوره‌های باستانی ایران و شناخت جهان‌بینی ایرانیان باستان منابع گران‌بهایی به شمار می‌روند. مطالب بعضی از این آثار نیز در کتاب‌های ادبی فارسی اقتباس گردیده و به صورت‌های گوناگون جلوه گر شده است. برای به دست آوردن اطلاعاتی از چگونگی آثار ادبی پهلوی باید به این ترجمه‌ها و اقتباس‌ها رجوع کرد. در واقع باید گفت ادبیات پهلوی در این گونه آثار فارسی ادامه یافته و منعکس شده است» (تفضلی، ۱۳۷۷: ۱۱۴).

نداف و پاک‌نژاد می‌نویسند: «*خرد* در اندیشه زردشتی نقش اصلی و محوری دارد و با وجود آفریدگار بزرگ یکی است. کل آفرینش جهان از ابتدا تا پایان با *خرد* رهبری می‌شود» (نداف و پاک‌نژاد صحنه، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

یکی از جلوه‌های بسیار پررنگ در ادبیات پهلوی نوشته‌های اندرزی است؛ چنان‌که اخلاقیات را یکی از مهم‌ترین بخش‌های نوشته‌های فارسی میانه می‌توان به شمار آورد. برپایه *واژه‌نامه مکنزی*، اندرز در فارسی میانه *handarz* است. این واژه بیشتر بر گفته‌ها و سخنان حکیمانه‌ای گفته می‌شود که بیشتر بزرگی برای راهنمایی فرزند یا شاگرد، مؤمنان، عامه مردم یا صاحبان شغل و منصبی ویژه فرموده باشد. واژه فرهنگ نیز در زبان فارسی میانه زرتشتی یا به اصطلاح پهلوی، در این معنی به کار رفته است: «خیز (ای) پسر من تا (تو را) فرهنگ آموزم» (متن‌های پهلوی، بی‌تا: ۵۸).

واژه فرهنگ به معنای دانش آموختن، تربیت کردن و دانش نیز به کار می‌رود. مترادف اندرز، واژه پند است. معنای دیگر و اصلی واژه پند در زبان پهلوی «راه» است (مزدآپور، ۱۳۸۶: ۱۰). به جز آنچه بیان شد، در فارسی دری واژه‌های دیگری نیز در این معنا کاربرد می‌یابند. در دوران پس از اسلام، جز پند و اندرز، واژه‌های دیگری مانند نصیحت، وصیت، موعظه، حکمت و مطلق دانش این معنی را می‌رسانند. همچنین اصطلاحاتی مانند داستان‌زدن و اندازه گرفتن برای نقل اندرز و سرمشق دادن و عبرت گرفتن نیز به کار گرفته می‌شد (همان: ۱۲)

یکی داستان زد تهمتن بر او ای که گر می بریزد نریزدش بوی

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۷۶)

تو از کار کیخسرو اندازه گیر کهن گشته کار جهان نو بگیر

(همان، ج ۴: ۲۲۴)

بحث‌های اخلاقی مهم‌ترین بخش ادبیات پهلوی را تشکیل می‌دهد. اندرزنامه‌ها، متون و یا کلمات کوتاه همراه با پند و اندرز است که جنبه حکمت عملی و تجربی دارد؛ به این نوع نوشته‌ها که به زبان پهلوی بوده است، اندرزنامه‌های پهلوی می‌گویند. این نوع آثار، بخش بسیاری از ادبیات پهلوی را در بر می‌گیرد. به این گونه ادبی به سبب ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مردم ایران از قدیم توجه می‌شد. پس از ورود اسلام نیز همچنان بر فراز متون ادبی قرار داشت؛ آثاری مانند *قابوس‌نامه* و *سیاست‌نامه‌ها* از این گونه‌اند.

درباره جایگاه و معنای خرد در *اوستا* باید به امشاسپندان، از جمله بهمن اشاره کرد که نخستین امشاسپند و آفریده اهورامزداست. او مظهر اندیشه نیک و خرد و دانایی خداوند است. اوست که انسان را از عقل و تدبیر بهره‌مند می‌کند (ر.ک: احمدی و حسنی باقری، ۱۳۸۹: ۳۰).

همه گروه‌های جامعه ایرانی در دوره میانه به سخنان کوتاه و پندآمیز بسیار توجه داشتند؛ به گونه‌ای که در بیشتر نوشته‌های دینی، بر دیواره‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، بناهای بزرگ، ظروف و کناره لباس‌ها و فرش‌ها نشان آنها را می‌توان دید. مجموعه اندرزهای این دوران بعدها در ادبیات دوران اسلامی و در کتاب‌های ادب و اخلاق عربی و فارسی بسیار تأثیر گذاشت؛ به گونه‌ای که این تأثیرگذاری از ویژگی‌های این نوع ادبی به شمار می‌رود.

تأثیر اندرزنامه‌ها بر آثار پس از خود

آثار نگارش شده در آغاز دوره اسلامی و رشد زبان فارسی دری، بیشتر تحت تأثیر آثار و فرهنگ ایران پیش از اسلام است که در آن زمان همچنان استوار و پایدار بود. تأثیر جنبه‌های اندرزی فرهنگ ایران باستان در آثار سده‌های آغازین اسلامی مانند *شاهنامه* فردوسی و *قابوس‌نامه* و... نشانگر اهمیت و آوازه این گونه آثار اندرزی پهلوی در آن روزگار است. «انعکاس مطالب اندرزی محدود به دوره ساسانی و فرهنگ ایران پیش از اسلام نیست؛ بلکه در آثار ادبی فارسی و نیز نوشته‌های ایرانیان به زبان عربی، بسیار مشاهده می‌شود و از همین روست که این گونه ادب را از ویژگی‌های فرهنگ مشرق‌زمین دانسته و گمان برده‌اند که مردم مشرق، حکمت و دانش را در پوشش و قالب این گونه سخنان حکمت‌آمیز ترویج و تعلیم می‌داده‌اند» (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۲۵۹).

میرفخرایی می‌نویسد: «اندرزها از آن رو که مطالب اخلاقی جامعه را بازتاب می‌دهند و معرف اندیشه، گفتار و کردار مردم در گذشته‌های دورند، زمینه‌های مساعدتری برای شناخت باورهای نخستین جامعه ایرانی به دست می‌دهند و گویای این حقیقت آشکار نیز هستند که ایرانیان به‌ویژه در دوره ساسانی، به سخنان و نوشته‌هایی با مضمون اخلاقی و اجتماعی دل‌بستگی فراوان داشته‌اند» (میرفخرایی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

سبک اندرزنامه‌ها

نویسنده در نوشته‌های اندرزی با لحنی دلسوزانه و پدارنه سخنانی لطیف و مهربانانه می‌گوید و این، سبک معمولی این‌گونه نوشته‌هاست. بیشتر افعال در این متون حالت امری دارد و لحن نوشته، تحکمی است. در اندرزنامه‌ها شخص اندرزدهنده، فردی پیر و دانا و باتجربه است؛ گاهی از او با اسم ویژه‌ای مثل بزرگمهر و گاهی با اسم عامی مثل بزرگ دبیرستان یا مرد دانا یاد می‌شود؛ البته گاهی نیز اسمی از او به میان نمی‌آید. در بعضی نوشته‌ها نیز فرد اندرزکننده گروهی مانند دستوران یا دانایان پیشین یا موبدان‌اند. گاهی اندرز در اندرزنامه‌ها در قالب حکایت بیان می‌شود و ساختار و چارچوبی روایی دارد؛ گاهی نیز به صورت پرسش و پاسخ است؛ مانند بزرگمهر و مینوی خرد و گاهی شکل مناظره‌ای به خود می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های اصلی این نوشته‌ها خاص بودن آنها برای پند و اندرز است.

تفضلی درباره‌ی اندرزهای پهلوی چنین می‌گوید: «اندرزهای پهلوی عموماً سبکی ساده و روان دارند و جملات آنها کوتاه و روشن است. مفصل‌ترین مجموعه‌ی اندرزها در کتاب ششم دینکرد گرد آمده است. اندرزهای پهلوی یا از نوع نصایح دینی هستند یا از نوع حکم عملی و تجربی. مضامین بسیاری از اندرزهای نوع دوم را در میان ملل دیگر نیز می‌توان یافت؛ زیرا این‌گونه حکم، حاصل تجربیات بشری است. اندرزها اساساً از زمره‌ی ادبیات شفاهی‌اند که از نسلی به نسلی همراه با تغییرات منتقل شده‌اند. بیشتر اندرزهای پهلوی به بزرگان و حکما نسبت داده شده است. بیشتر مجموعه‌ی اندرزها عنوانی ندارند و عنوان‌های کنونی را کاتبان و نسخه‌برداران یا مصححان این متون به آنها داده‌اند و بعضی از اندرزها منسوب به شاهان یا بزرگان یا روحانیون است» (تفضلی، ۱۳۷۷: ۱۸۰-۱۸۱).

خرد در اندرزنامه‌ها

خرد یکی از مفاهیم مهم در ادیان و تمدن‌هاست. در متون کهن ایرانی نیز بر آن بسیار تأکید شده است؛ از جمله در *گزیده‌های زاداسپرم، مینوی خرد، بندهشن، گائاهای اوستا و شاهنامه* (ر.ک: احمدی و حسنی باقری، ۱۳۸۹: ۳۰). مجموعه‌ی پندها و اندرزهایی که در این متون به به‌دینان داده می‌شود، دربردارنده‌ی سه بخش اصلی است:

۱) پندهای مربوط به مشاهده و داشتن بصیرت در زندگی؛

۲) پندپذیری، احتیاط، دوراندیشی؛

۳) پندهای اخلاقی و انجام وظیفه و مسئولیت بر عهده گرفتن (ر.ک: قادری، ۱۳۹۱: ۵۳).

خرد در بندهشن به دو نوع مقدس و پلید تقسیم می‌شود. برابر با این تقسیم‌بندی، جهان نیز به دو جبهه‌ی یاران خرد مقدس و خرد پلید بخش می‌شود (ر.ک: احمدی و حسنی باقری، ۱۳۸۹: ۳۰). در گائاهای، دو نیروی عظیم انگرمینو (خرد پلید) و سپتامینو (خرد مقدس) بازیگران اصلی هستی هستند. این دو نیرو از آغاز همزاد و دوقلو بوده‌اند؛ به‌طورکلی مزدا (لقب اهورا) را به معنای خرد و فرزاندگی دانسته‌اند (ر.ک: آموزگار، ۱۳۸۶: ۱۰).

مینوی خرد

یکی از آثار بسیار مهم و ارزنده در حوزه‌ی ادبیات پهلوی مینوی خرد است. متنی کوتاه و بسیار پراهمیت که درون‌مایه‌ی اصلی آن دربرگیرنده‌ی مضامین اندرزی است. «شاید در بین متون اندرزی، قدیمی‌ترین باشد و به احتمالی تاریخ تألیف آن به اواخر دوره‌ی ساسانی می‌رسد. متن کتاب به صورت پرسش و پاسخ است. دانا شصت و دو پرسش اخلاقی - اندرزی از مینوی خرد می‌پرسد و مینوی خرد به تمامی این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. البته بیشتر پاسخ‌ها جنبه‌ی ترغیب و نصیحت دارد. مینوی خرد در حکم آموزه‌ی به‌دین زردشتی در جنبه‌ی اخلاقی - رفتاری است. به احتمالی این اثر باید در عهد

بزرگمهر، وزیر حکیم و مشاور خسرو انوشیروان نوشته شده باشد. دانا که شخصیت اصلی در این اثر است، خرد را که پرستیدنی‌ترین نمودهای یزدانی است، برمی‌گزیند. پس خرد در کالبدی بدو نمایان می‌شود و می‌گوید: از من آموزش خواه تا تو را راهنمایی باشم به سوی خشنودی یزدان و نیکان برای نگهداری تن خاکی و رهایی روان مینویی. در این هنگام آن مرد دانا پرسش‌های خود را یک‌به‌یک یا گروه‌گروه پیش می‌کشد و آن مینو به آنها پاسخ می‌گوید» (Boyce, 1968:54-55؛ تاوایا، ۱۳۵۵: ۱۳۰-۱۳۱)

نداف و پاک‌نژاد خرد را در مینوی خرد چهار دسته می‌دانند:

- ۱) خرد افزونی یا خرد مقدس؛ خردی که مردم با آن در اندیشه همان‌گونه همدیگر را می‌بینند که با چشم می‌بینند؛
- ۲) خرد پرهیزکاران که روان با تن همواره خواستار آن است؛
- ۳) خرد غریزی یا آسن خرد که خرد ذاتی است؛ از نخستین لحظه آفرینش با اورمزد بوده است و اهورامزدا خرد ذاتی را با منش خویش به نیکان می‌بخشد؛

۴) خرد همه‌آگاه خرد اورمزدی است که در آن تاریکی و نادانی نیست (ر.ک: نداف و پاک‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

افزون‌بر درون‌مایه اصلی اندرز که مبنای نگارش کتاب است، درباره مضامین دیگری مانند اسطوره آفرینش زردشتی، زروان، شخصیت‌های اساطیری و مانند آن نیز بحث شده است. یکی از موضوع‌های مهم در باب این کتاب این است که آیا این اثر از اندیشه‌های زروانی نیز تأثیر پذیرفته است؟ احمد تفضلی در کتاب *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام* اطلاعات گسترده‌ای در باب آثار پهلوی ارائه داده است که در بخشی از آن چنین می‌گوید: «کم‌توجهی به امور دنیای مادی و توجه به دنیای معنوی و نیز ذکر اهمیت تقدیر و نقش ستارگان در سرنوشت آدمی موجب شده است برخی از دانشمندان این کتاب را اثری نیمه‌زروانی بنامند؛ ولی مطالبی که مشخصه عقاید زروانیان باشد، مانند اینکه اهرمزد و اهریمن اصل واحدی داشته‌اند در آن نیامده و به اسطوره زروانی نیز اشاره نشده است؛ بنابراین مطالبی مانند تأکید بر کم‌توجهی به امور دنیایی و پرداختن به امور روحانی و نیز رضادادن به قسمت را باید از مشخصات نوع ادبی اندرزاها به شمار آورد» (تفضلی، ۱۳۷۷: ۱۹۸).

مینوی خرد به سبب توجه بسیار به موضوع خرد و اینکه خرد را نخستین آفریده خداوند و جان هستی معرفی می‌کند، اهمیتی ویژه می‌یابد. فردوسی نیز چنین ارزشی برای خرد برمی‌شمارد و این پرسش را در ذهن برمی‌انگیزد که آیا شاعر پراوازه‌توس که مینوی خرد را در پیش داشته، در نگارش شاهکار خود از این اثر درخشان پهلوی بهره برده است؟

شاهنامه

شاهنامه اثر بزرگ حکیم فردوسی و شاهکار زبان و ادب فارسی نو است که بنیان زبان فارسی نیز به شمار می‌رود. این اثر بسیاری از سنت‌های ایرانی را در درون خود جای داده است.

نخستین کارکرد شاهنامه در زنده نگه داشتن زبان فارسی است. فردوسی بر بزرگی و اهمیت کار خود آگاه بود و چنین زیبا به ستایش آن زبان می‌گشاید:

ز باران و از تابش آفتاب	بناهای آباد گردد خراب
که از باد و باران نیابد گزند	پی افکندم از نظم کاخی بلند
همی خواندش هر که دارد خرد	بر این نامه بر عمرها بگذرد

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۷۴)

چو این نامور نامه آید به بن
از آن پس نمی‌رم که من زنده‌ام
ز من روی کشور شود پر سخن
که تخم سخن من پراگنده‌ام
هر آن کس که دارد هش و رای و دین
پس از مرگ بر من کنند آفرین
(همان، ج ۸: ۲۸۸)

در شاهنامه بسیاری از داستان‌های اساطیری و افسانه‌های مشهور ایرانی ثبت است؛ اما در واقع خواننده در شاهنامه مضامین و موضوع‌های بسیاری را مشاهده می‌کند. افزون‌بر داستان پادشاهان، مسایلی مانند پهلوانی پهلوانان و کردار و خوی ایشان، جان‌فشانی در راه پاسداری از سرزمین، گذرایی و بی‌اعتباری گیتی، غنیمت‌شمردن زمان، پیمان‌نگاه داشتن و بسیاری مضامین دیگر نیز در شاهنامه وجود دارد. غلامحسین یوسفی دربارهٔ ارج و جایگاه شاهنامه چنین می‌گوید: «شاهنامه فردوسی - برخلاف آنچه ناآشنایان می‌پندارند - فقط داستان جنگ‌ها و پیروزی‌های رستم نیست؛ بلکه سرگذشت ملتی است در طول قرون و نمودار فرهنگ و اندیشه و آرمان‌های آنان است. برتر از همه، کتابی است درخور حیثیت انسان؛ یعنی مردمی را نشان می‌دهد که در راه آزادگی و شرافت و فضیلت، تلاش و مبارزه کرده، مردانگی‌ها نموده‌اند و اگر کامیاب شده یا شکست خورده‌اند، حتی با مرگشان آرزوی دادگری و مروت و آزادمنشی را نیرو بخشیده‌اند. شاهنامه فردوسی... همه در حمایت دادگری و خرد و مردمی و آزادگی است و نیکوکاری و وطن‌دوستی را تعلیم می‌دهد. شاهنامه در خلال داستان‌های دل‌انگیز خود مبشر پیامی است چنین پرمغز و عمیق. گویی حاصل همه تجربه‌ها و تفکرات میلیون‌ها نفوس در فراز و نشیب حیات از پس دیوار قرون به گوش ما می‌رسد که آنچه را در جایگاه ثمرهٔ حیات دریافته و آموخته‌اند، صمیمانه با ما در میان می‌نهند و همگان را به نیک‌اندیشی، آزادمردی، دادپیشگی و دانایی رهنمون می‌شوند» (یوسفی، ۱۳۷۲: ۶-۷). این یکی از زیباترین توصیفات دربارهٔ شاهنامه است.

پند و اندرز از دیگر درون‌مایه‌های شاهنامه است که در سراسر آن دیده می‌شود و نمودی ویژه دارد. این مضامین اندرزی در لابه‌لای داستان‌ها، در آغاز و پایان و فراخور داستان و موضوع جلوه‌گر می‌شوند. در شاهنامه این مسایل با احساسات عمیق شاعر درمی‌آمیزد؛ به کلام گیرایی ویژه‌ای می‌بخشد و آنچه از دل برمی‌آید، ناگزیر بر دل می‌نشیند؛ همین موضوع موجب برجستگی شاهنامه در مقایسه با آثار دیگر اندرزی است.

صفا معتقد است: «بهترین قسمت شاهنامه اشارات اخلاقی و نصایحی است که استاد بزرگوار طوس به خوانندگان عرضه می‌کند. قوت طبع و عظمت فکر و روشنی نظر در نصایح فردوسی به‌نیک‌ی آشکار است» (صفا، ۱۳۶۲: ۲۵۸). این سخنان پندآمیز فردوسی در لحظه‌ای ویژه از داستان بیان می‌شوند، در نتیجه گیرایی ویژه‌ای دارد و بر جان شنونده می‌نشیند.

شاهنامه فردوسی سرشار از پند و مضامین اندرزی است و در آن بیش از ۵۰۰ بار واژهٔ خرد و خردمند و بیش از ۱۵۰ بار واژهٔ روشن‌روان آمده است (ولف، ۱۳۷۷: ذیل واژه خرد و روشن‌روان)؛ بنابراین آیا می‌توان چنین پنداشت که پندها و اندرزهای موجود در متن پهلوی مینوی خرد بر آن تأثیر گذاشته است؟ و اگر تأثیر گذاشته این تأثیرگذاری چگونه بوده است؟

اصل پهلوی بسیاری از اندرزنامه‌ها از بین رفته است؛ اصل بعضی از آنها را می‌توان بازشناخت. دانشمندان ایرانی مسلمان پس از اسلام به این متون توجه کردند و آنها را در کتاب‌های ادب و اخلاق و تاریخ، به عربی ترجمه کردند و بعضی از آنها نیز به فارسی راه یافت. برای نمونه اندرزهای بزرگمهر به‌طور دقیق در کتاب *جاویدان خرد ابن مسکویه*

آمده است و کمابیش آن را جمله‌به‌جمله با متن اصلی می‌توان تطبیق داد. ابن‌ندیم در فصلی با عنوان «اسامی کتاب‌های تألیف‌شده در مواعظ و آداب و حکم ایرانیان و رومیان و هندیان و تازیان» تعدادی از کتاب‌های اخلاقی و تعلیمی پهلوی را نام می‌برد که به عربی ترجمه شده بود. اندرزنامه‌های پهلوی گاهی به زبان عربی ترجمه شده است و گاهی قطعه‌هایی از آن به فارسی برگردانده شده و یا مضامین آنها در آثار دوره اسلامی راه یافته است.

خرد در متون کهن گونه‌های مختلفی دارد و بخشیده‌اهورامزداست؛ اما خویشکاری و وظیفه‌هریک خاص است و با آفریدگان مشخصی پیوند دارد. فردوسی همه این انواع را در زیر عنوان «خرد» معرفی می‌کند؛ اما مفهوم‌های متعددی برای این داده خدایی به کار می‌گیرد که نمایانگر شناخت کامل او از این گونه‌های ویژه و آگاهی از خویشکاری آنهاست. همین ژرف‌بینی و دقت، او را در میان کوشندگان ادب فارسی و پاسداران زبان و شناسندگان توانایی‌های آن ممتاز کرده است (طالبی و راشد‌محصل، ۱۳۹۳: مقدمه)

مقایسه اندرزهای مینوی خرد و شاهنامه

پس از آنچه درباره اصل و خاستگاه اندرز در ادب و فرهنگ ایران باستان و حوزه شاهنامه بیان شد، در ادامه اندرزهای مینوی خرد و شاهنامه تطبیق و بررسی می‌شود.

مقدمه مینوی خرد و شاهنامه

در ابتدا بخشی از ترجمه مقدمه مینوی خرد بیان می‌شود. این مقدمه به‌ویژه از نظر توجه به موضوع خرد با مقدمه شاهنامه سازگار و مشابه است.

«۱- به نام و ستایش آفریدگار اورمزد که دهنده همه سودهاست؛ ۲- و همه ایزدان آفریده در مینو و گیتی ۳- و فرهنگ فرهنگ‌ها دین مزدیسنی ۴- که سرچشمه دانایی و تشخیص از آن است ۵- به فره و کام مقدسان دو جهان، تعلیمات آفریدگار اورمزد ۶- و همه ایزدان بسیار نیرومند ۷- و توجه دربردارنده آسایش فراوان از سوی ایزدان، دانایان خاصی که کارشان منطقی است ۸- پاداش‌های نوبه‌نو به دارنده خرد (رسد) ۹- از راه یافتن سود دو جهانی به فراوانی که (خرد) شفاعت‌بخش‌ترین است برای تن و روان ۱۰- چنانکه در به‌دین پاک مزدیستان، معجزه معجزات، منزله از گمان، بی‌مثال، بنا بر گفتار آفریدگار اورمزد و زرتشت سپیتمان در جاهای بسیاری فتوی داده شده است ۱۱- که آفریدگار بسیار نیک این مخلوقات را به خرد آفرید ۱۲- و آنان را به خرد نگاه می‌دارد ۱۳- و به سبب افزار (=قدرت) خرد که سودبخش‌ترین است آنان را پایدار و بی‌دشمن به جاودانگی همیشگی از آن خود کنند» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۲).

بیت‌های آغازین شاهنامه عبارت است از:

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه بر نگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی‌ده و رهنمای
خداوند کیوان و گردان‌سپهر	فرزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برتر است	نگارنده برشده گوهر است

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳)

در مقدمه شاهنامه پس از ستایش خداوند، از خرد و ستایش آن سخن می‌رود. در مقدمه مینوی خرد و مقدمه شاهنامه پس از ستایش خدا، موضوع خرد بسامد بسیاری دارد. درحقیقت بنیان هر دو مقدمه درباره ارزش مقام و جایگاه خرد است. «به نام و ستایش آفریدگار اورمزد که دهنده همه سودهاست و همه ایزدان آفریده در مینو و گیتی»

این جملات در آغاز مقدمه مینوی خرد با نخستین ابیات شاهنامه سازگار است؛ یعنی خداوندی که روزی ده است و کیوان و گردان سپهر، ماه و ناهید و مهر نیز نمودی از ایزدان و آفریده در مینو و گیتی است؛ چنانکه پیداست باورهای زرتشتی در گذار به دوره اسلامی از عناصر در تقابل با آموزه های اسلامی پالوده می شود و این نخستین ابیات شاهنامه را باید از این دست به شمار آورد. «خرد را می توان مهم ترین مفهوم مطرح شده در شاهنامه فردوسی دانست» (احمدی و حسنی باقری، ۱۳۸۹: ۲۱).

کوورجی کویاجی معتقد است: «در باره منابع خاص ادبی پهلوی که فردوسی در یزدان شناخت و فلسفه خود از آنها الهام گرفته است، می توان گفت که به احتمال بسیار زیاد، وی کتاب پهلوی دانا و مینوی خرد را می شناخته است. همچنین قرینه های بسیاری میان گفتارهای فردوسی و آنچه در دادستان دینی و گزارش گمان شکن بیان شده است، دیده می شود» (کوورجی کویاجی، ۱۳۷۱: ۴).

خرد

«۸- پاداش های نوبه نو به دارنده خرد رسد؛ ۹- از راه یافتن سود دو جهانی به فراوانی که خرد شفاف بخش ترین است» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۲).

خرد رهنمای و خرد دلگشای	خرد دست گیرد به هر دو سرای
ازو شادمانی و زویت غمی است	زویت فزونی و زویت کمی است
ازویی به هر دو سرای ارجمند	گسسته خرد پای دارد به بند

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴)

در بند ۱۱ و ۱۲ مقدمه مینوی خرد آمده است که آفریدگار بسیار نیک این مخلوقات را به خرد آفرید و آنان را... (؟) به خرد نگاه می دارد؛ بنابراین خرد برترین آفریده های خداوند است که به سبب آن، سایر پدیده ها و موجودات آفریده می شوند (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۲). در شاهنامه نیز خرد برترین آفریده ایزدی است:

خرد بهتر از هر چه ایزد داد ستایش خرد را به از راه داد

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴)

در این میان در شاهنامه اشاره هایی به «دانا» وجود دارد و همچنین برخوردار شدن او از سخنگویی که از «خرد» سخن می گوید؛ این به گونه ای یادآور شخصیت دانا و مینوی خرد در کتاب مینوی خرد است:

چه گفت آن سخنگوی مرد از خرد که دانا ز گفتار او بر خورد

(همان)

مینوی خرد نیز بر محور پرسش های دانا و پاسخ های مینوی خرد نهاده شده است. در ادامه چند بند دیگر از مقدمه مینوی خرد بیان می شود:

«۴۳- و از دستورانی که در دین آگاه تر بودند، پرسید؛ ۴۴- که برای نگاهداری تن و نجات روان چه چیز بهتر و برتر است؟ ۴۵- و آنان بنابر آنچه در دین معلوم شده است، گفتند ۴۶- که از (همه) نیکی ها که به مردمان می رسد، خرد بهتر است؛ ۴۷- زیرا گیتی را به نیروی خرد می توان اداره کرد ۴۸- و مینو را هم به نیروی خرد می توان از آن خود کرد» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۴).

این مضمون در این ابیات نیز دیده می شود:

خرد رهنمای و خرد دل‌گشای
 خرد دست گیرد به هر دو سرای
 خرد بهتر از هرچه ایزدت داد
 ستایش خرد را به از راه داد
 از ویی به هر دو سرای ارجمند
 گسسته خرد پای دارد به بند
 (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴)

در بند ۴۹ و ۵۰ از مقدمه مینوی خرد به این نکته اشاره شده است که خداوند، آفریدگان را در گیتی به نیروی خرد آفریده است و اداره مینو و گیتی به خرد است: «۴۹- این نیز پیداست که اورمزد این آفریدگان در گیتی را به خرد غریزی آفریده است ۵۰- و اداره گیتی و مینو به خرد است» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۴).

در اندیشه و باور ایرانی خرد نخستین آفریده خداوند و واسطه خلق جهان مادی است؛ حدیث «اول ما خلق الله العقل» نخستین چیزی که خدا آفرید، عقل بود (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۹۷) به همین نکته اشاره دارد. در فلسفه اسلامی پیدایش هستی، بیان‌کننده همین موضوع است.

در پرسش ۵۶ مینوی خرد بار دیگر به همین نکته اشاره می‌شود: «پرسش ۵۶- از نخست، من که خرد غریزی هستم از مینوها و گیتی‌ها با اورمزد بودم و آفریدگار اورمزد ایزدان آفریده در مینو و گیتی و دیگر آفریدگان را به نیرو و قدرت و دانایی و کاردانی «آسن خرد» (=خرد غریزی) آفرید و خلق کرد و نگاه می‌دارد و اداره می‌کند و در سر فرشگرد اهرمن و فرزندانش را به نیروی خرد بیشتر می‌توان نابود کرد و از میان برد و سوشیانس با کی خسرو و آنان که تن پسین کنند به سبب نیرو و یاری خرد (این کار را) بهتر می‌توانند انجام دهند» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۷۲).

فردوسی نیز چنین مضمونی را در شاهنامه بیان می‌کند:

نخست آفرینش خرد را شناس
 نگهبان جان است و آن سه پاس
 سه پاس تو گوش است و چشم و زبان
 کزین سه رسد نیک و بد بی‌گمان
 (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴)

بنابراین خرد مهم‌ترین موضوع مقدمه مینوی خرد و مقدمه شاهنامه به شمار می‌رود و بنیان هر دو اثر بر آن نهاده شده است. کتاب مینوی خرد از نظر مباحث مربوط به خرد، اهمیت بسیاری دارد و شاید بیشترین تأثیر را در این باره بر شاهنامه داشته است. راشد محصل نیز این نکته را تأیید می‌کند که خرد و دانا بارها در شاهنامه در کنار هم آمده‌اند و این نشان‌دهنده آگاهی فردوسی از متن مینوی خرد است (طالبی و راشد محصل، ۱۳۹۳: ۸). البته این آگاهی ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد.

پرسش ۱۰ در متن مینوی خرد، جایگاه خرد در پیوند با هنر و نیکی را بررسی می‌کند: «۱- پرسید دانا از مینوی خرد ۲- که خرد بهتر است یا هنر یا نیکی؟ ۳- مینوی خرد پاسخ داد ۴- که خردی که با آن نیکی نیست، آن را خرد نباید شمرد ۵- و هنری که خرد با آن نیست، آن را هنر نباید شمرد» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۲۵).

این مضمون در شاهنامه نیز وجود دارد:

هنر مردمی باشد و راستی
 ز کژی بود کمی و کاستی
 هنر بی‌خرد در دل مرد تند
 چو تیغی که گردد ز زنگار کند
 (همان: ۵۹)

در پرسش ۴۶، مینوی خرد در پاسخ به این پرسش دانا که برترین خواسته چیست، خرد را برترین موهبت و خواسته معرفی می‌کند: «۱- پرسید دانا از مینوی خرد ۲- که چیست که از هر خواسته برتر است؟ ۳- مینوی خرد پاسخ داد ۴- که خرد است که بهتر از همه خواسته‌هایی است که جهان است» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۶۴). در شاهنامه نیز این موضوع بارها بیان شده است:

خرد بهتر از هر چه ایزدت داد ستایش خرد را به از راه داد
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴)

فزون از خرد نیست اندر جهان فروزنده کهران و مهان
(همان، ج ۶: ۵۵۸)

مینوی خرد، پشتیبانی گرفتن خرد را بهترین سلاح در برابر دیوان و اهریمن معرفی می‌کند. پرسش ۴۲ به این نکته اشاره دارد. «۴- مینوی خرد پاسخ داد ۵- که اورمزد خدا و امشاسپندان و بهشت خوش بوی خرم را از آن خویش کردن و اهرمن بدکار و دیوان را شکست دادن و از دوزخ تاریک بی بها رستن چنین ممکن است: ۶- وقتی که مینوی خرد را به پشتیبانی گیرند، ۷- و مینوی خرسندی را مانند زره بر تن پوشند» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۶۰). در شاهنامه نیز چنین آمده است:

ز شمشیر دیوان، خرد جوشن است دل و جان داننده زو روشن است
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۱۹۷)

کوورجی کویاجی معتقد است فردوسی به مینوی خرد توجه ویژه‌ای دارد و از آن بسیار استفاده می‌کند؛ همچنین مینوی خرد بر آن تأثیر به‌سزایی داشته است (ر.ک: کوورجی کویاجی، ۱۳۷۱: ۹-۷). او می‌نویسد: «فردوسی هنگام سرودن پیشگفتار شاهنامه و مباحثه اخلاقی در حضور بهرام گور، دست‌کم کتاب دانا و مینوی خرد را در پیش چشم داشته و بخش‌هایی از آن را که درخور حماسه خویش می‌دانسته تأویل کرده و در شاهنامه آورده است... «دکتر آ.د. مرتمان» و «دکتر ا.و. وست» هر دو بر این عقیده بودند که تاریخ مفروض نگارش دانا و مینوی خرد احتمالاً چندی پیش از حمله عرب بوده است؛ بنابراین کتاب مینوی خرد پیش از فردوسی از شهرت کافی برخوردار بوده است» (همان: ۲۵).

گذرایی و بی‌اعتباری گیتی

از دیگر مسایل آمده در مینوی خرد، اعتماد نکردن به نیکی جهان است؛ زیرا بنیاد ندارد و از میان خواهد رفت؛ برای نمونه در پرسش یک، بندهای ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۰ و ۱۱۱ چنین آمده است: «۹۸- به هیچ نیکی گیتی تکیه مکن؛ ۹۹- چه نیکی گیتی همچون ابری است که در روز بهاری آید که به هیچ کوه نیاید. ۱۰۰- بسیار گیتی‌آرای مباح؛ ۱۰۱- چه مرد گیتی‌آرا، تباه‌کننده مینو باشد. ۱۱۰- به زندگی تکیه مکن؛ ۱۱۱- چه سرانجام مرگ بر تو رسد» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۱۱-۱۲). در شاهنامه نیز همین نکته همواره یادآوری می‌شود. گذرایی و بی‌اعتباری زندگی دنیوی و لزوم توجه به فرارسیدن مرگ و آماده‌گذاشتن از دنیا بودن جزو پربسامدترین مضامینی است که فردوسی پیوسته به آن توجه می‌کند:

مهر خود به مهر زمانه گمان نه نیکو بود راستی در کمان
چو دشمنش گیری نمایندت مهر وگر دوست خوانی نبینیش چهر
یکی پند گویم تو را من درست دل از مهر گیتی بیایدت شست
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۴۰-۵۴۲)

نخواهد همی‌ماند ای‌در بسی	بخوانند اگرچه بم‌ماند بسی
	(همان، ج ۲: ۲۰)
سرانجام نیک و بدش بگذرد	شکار است مرگش همی‌بشکرد
	(همان: ۸۰)
که کس در جهان جاودانه نماند	زگردون مرا خود بهانه نماند
	(همان: ۱۷۸)
همه مرگ راییم پیر و جوان	به گیتی نماند کسی جاودان
	(همان: ۱۷۹)
چو پیوسته شد مهر دل بر جهان	به خاک اندر آرد همی ناگهان
	(همان: ۳۷۶)
مرا و تو را روز هم بگذرد	دمت چرخ گردان همی‌بشمرد
	(همان، ج ۳: ۲۳)

آز

آز از دیگر موضوع‌های پرسامد در مینوی خرد است که پیوسته آدمی را از گرفتارشدن به آن هشدار می‌دهد. آز در شمار یاوران نیرومند اهریمن به شمار می‌آید و همواره در پی زیان‌رساندن به آفرینش اهورایی است. در شاهنامه نیز بسیاری از رویدادهای ناگوار بر اثر دخالت آز رخ می‌دهد.

مینوی خرد همواره انسان را به دوری از آز فرا می‌خواند: «۱۳- به آز متمایل مباش ۱۴- تا دیو آز تو را فریب ندهد ۱۵- و چیزهای گیتی برای تو بی‌مزه و چیزهای مینو تباه نشود» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۷).

در شاهنامه نیز بسیار بر لزوم دوری از آز سخن می‌رود. در واقع این پالوده‌شدن عناصر فرهنگ باستانی ایران در فرهنگ ایران اسلامی است؛ یعنی فرهنگ ایران باستان با شاهنامه و متونی از این دست به دوره اسلامی وارد شد. در ادامه نمونه‌هایی از شاهنامه درباره آز و آزمندی بیان می‌شود:

ایا دانشی مرد بسیارهوش	همه چادر آزمندی پیش
	(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۱۵)
در آزمندی است اندوه و رنج	شدن تنگ‌دل در سرای سپنج
	(همان: ۳۱۵)
وگر آز گیرد سرت را به دام	برآری یکی تیغ تیز از نیام
	(همان: ۳۵۷)
چنین است رسم سرای سپنج	همه از پی آز ورزند رنج
	(همان، ج ۲: ۸۰)
چنین است گیتی پر از و رنج	ازو تا توانی گرد بیشی مگرد
	(همان، ج ۳: ۱۳۰)

فردوسی در داستان رستم و سهراب، آزمندی را عامل اصلی این رویداد ناگوار می‌بیند:

همه تلخی از بهر بیشی بود مبادا که با آز خویشی بود
(همان، ج ۲: ۱۷۹)

دادگری

داشتن انصاف و گرفتن جانب حق، چه با دوستان و چه با دشمنان، از نکاتی است که در مینوی خرد به آن سفارش می‌شود: «۵۲- با دشمنان با انصاف ستیزه کن. ۵۳- با دوست به پسند دوستان رفتار کن» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۸). در شاهنامه نیز نگاه‌داشت جانب انصاف یکی از ارکان اصلی حماسه است. در واقع داد و دادگری یکی از ویژگی‌های اصلی اخلاق پهلوانان و شاهان و نیکان است که همواره ستوده می‌شود:

گر از دشمنت بد رسد گر ز دوست به هر کار داد دادن نکوست
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۷۴)

سپهر و سرنوشت

مینوی خرد در بسیاری از قسمت‌ها، نیکی و بدی وارد شده به انسان را به هفت سیاره و دوازده برج نسبت داده است؛ برای نمونه پرسش ۷ بندهای هفده تا بیست و یک ذکر می‌شود: «۱۷- هر نیکی و بدی که به مردمان و نیز به آفریدگان دیگر می‌رسد از هفتان (=هفت سیاره) و دوازدهان (=دوازده برج) می‌رسد. ۱۸- و آن دوازده برج در دین به منزله دوازده سپاهید از جانب اورمزد ۱۹- و آن هفت سیاره به منزله هفت سپاهید از جانب اهرمن خوانده شده اند ۲۰- و همه آفریدگان را آن هفت سیاره شکست می‌دهند و به دست مرگ و هرگونه آزار می‌سپارند؛ ۲۱- به طوری که آن دوازده برج و هفت سیاره تعیین‌کننده سرنوشت و مدبر جهان‌اند» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۲۳).

گفتنی است این نگرش که سرنوشت در آسمان‌ها رقم می‌خورد، در بیشتر متون فارسی میانه وجود دارد. در واقع تأثیر باورهای زروانی که تقدیرگرایی را بسیار رواج می‌دادند، در اندیشه و باور و در عرصه آثار ادبی این دوره تأثیر ژرفی گذاشته است؛ به گونه‌ای که این نگرش درباره جهان هستی در دوره‌های بعد نیز همچنان به قوت خویش باقی است و حتی تاکنون نیز هستی خود را حفظ کرده است. شاهنامه فردوسی نیز به این نکته اشاره دارد:

پدید آمد این گنبد تی‌زرو شگفتی نماینده نوبه‌نو
درو ده و دو برج آمد پدید بیخشید داننده چونان سزید
ابر ده و دو هفت شد کدخدای گرفتند هریک سزاوار جای
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۸)

هر بهروزی و یا سیه‌روزی که به مردمان می‌رسد، با میانجیگری این برج‌های دوازده‌گانه و اختران هفت‌گانه روی می‌دهد:

چنین است گیهان آسیب سیب پس هر فرازی نهاده نشیب
(همان، ج ۴: ۱۲۳)
چو ما چرخ گردان فراوان سرشت درود آن کجا با‌رزو خود بکشت
(همان: ۱۰۵)
جهان را چنین است آیین و دین نمانده است همواره در به‌گزین
یکی را ز خاک سیه برکشد یکی را ز تخت کیان درکشد

نه زان شاد باشد نه زین دردمند	چنین است رسم سرای گزند (همان: ۳۷۱)
همی بدرود پیر و برنا به هم	ازو داد بیستم و زو هم ستم
نبینید کین چرخ ناپسایدار	نه پرورده داند نه پروردگار (همان، ج ۳: ۳۳۲)
چنین است رسم سرای فریب	گهی با فراز است و گه با نشیب
ازو شادمسانی و زو مستمند	گهی بر زمین، گه به ابر بلند (همان: ۱۹۴)
تو گیتی چه سازی که خود ساخته است	جهانبان ازین کار پرداخته است
زمانه نبشته دگرگونه داشت	چنان کو گزارد بپاید گذاشت (همان، ج ۲: ۱۶۳)

از این‌گونه اشارات که نیک و بد را از سپهر و چرخ روزگار می‌دانند، در شاهنامه بسیار است.

راستی و رادی و ستایش خداوند

یکی از مسائلی که شاهنامه بر آن تأکید دارد، توجه به ستایش خداوند و پیشه‌گرفتن رادی در کارها و دوری از بدی در کنش و رفتار است. مینوی خرد در پرسش دوم به این نکته اشاره دارد: «۱- پرسید دانا از مینوی خرد ۲- که رادی (=بخشندگی) بهتر است یا راستی ۳- یا سپاس‌داری یا خرد ۴- یا کامل‌اندیشی یا خرسندی (=قناعت)؟ ۵- مینوی خرد پاسخ داد ۶- که برای روان، رادی و برای همه جهان، راستی ۷- و نسبت به ایزدان سپاس‌داری و در تن مرد، خرد ۸- و در همه کارها، کامل‌اندیشی و برای آسایش تن و روان و زدن اهریمن و دیوان، خرسندی بهتر است» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۱۷).

این ارزش‌های اخلاقی و انسانی با زیبایی ستودنی و ویژه‌ای در بخش‌های مختلف شاهنامه دیده می‌شود؛ برای نمونه رستم در حضور پهلوانان در داستان کاموس کشانی چنین سخن می‌گوید:

ز یزدان بود زور ما خود که‌ایم	برین تیره‌خاک اندرون بر چه‌ایم
نباید کشیدن کمان بدی	ره ایزدی بساید و بخردی
که گیتی نماند همی بر کسی	نباید بسدو شادبودن بسی
هنر مردمی باشد و راستی	ز کژی بود کمی و کاستی (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۱۷)

و از زبان کی‌خسرو خطاب به ایرانیان آمده است:

ز یزدان شناسید یکسر سپاس	مباشید جز پاک و یزدان‌شناس (همان، ج ۴: ۳۶۶)
به گیتی به از راستی پیشه نیست	به از راستی هیچ اندیشه نیست (همان: ۳۶۶)
به هر کار در پیشه کن راستی	چو خواهی که نگزایدت کاستی (همان، ج ۲: ۱۵۸)

باده‌خواری

چند ویژگی درباره می در مینوی خرد بیان شده که همین ویژگی‌ها در شاهنامه نیز آمده است. در پرسش پانزدهم مینوی خرد (بندهای ۲۰ تا ۳۵) درباره «می» چنین سخن می‌رود: «۲۰- درباره «می» پیداست که گوهر نیک و بد به «می» آشکار تواند شد ۲۱- و نیکی مرد در خشم و خرد مرد در شهوت بدی انگیز؛ ۲۲- چه هرکه خشم بر او تازد و خویشتن را بتواند نگاه دارد، در نیکی اش ۲۳- و هرکه شهوت بر او تازد و خویشتن را بتواند نگاه دارد، در خردش ۲۴- و هرکه «می» بر او تازد و خویشتن را بتواند نگاه دارد، در گوهرش ۲۵- پژوهش کردن لازم نیست؛ ۲۶- چه مرد نیک‌گوهر چون «می» خورد، مانند جام زرین و سیمین است که هرچه بیشتر آن را بیافروزند (=صیقل دهند)، پاک‌تر و روشن‌تر می‌شود ۲۷- و اندیشه و گفتار و کردار (خویش را) نیک‌تر دارد ۲۸- و نسبت به زن و فرزند و همالان (=دوستان، یاران) دوست‌تر و چرب‌تر و شیرین‌تر شود ۲۹- و به هر کار نیک کوشاتر شود ۳۰- و مرد بدگوهر چون «می» خورد، خویشتن را از اندازه بیشتر اندیشد و پندارد ۳۱- و با همالان نبرد کند و چیرگی نشان دهد و افسوس (=مسخره) و استهزاء کند ۳۲- و مرد نیک را تحقیر کند ۳۳- و به زن و فرزند و مزدور و بنده و پرستار خویش آزار رساند ۳۴- و مهمانی نیکان را برهم زند ۳۵- و آشتی را ببرد و قهر آورد» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۳۳-۳۲).

فردوسی نیز در شاهنامه درباره می چنین می‌سراید:

ز دل زنگ و از روی آژنگ و ژنگ	نبرد ز بن جز نبید چو زنگ
دل زنگ‌خورده ز تلخی سخن	زداید ازو زنگ باده کهن
چو پیری در آرد زمانه به مرد	جوانش کند باده سالخورد
به مرد اندرون باده آرد پدید	که فرزانه گوهر بود گر پلید
که را گوهرش پست و بالا بلند	کند باده او را چو خم کمند
که را گوهرش برز و بالاش پست	به کیوان برد چون شود نیم‌مست
چو بی‌دل خورد مرد، گردد دلیر	چو روبه خورد گردد او نره شیر
چو پژمان خورد شادمانه شود	به رخسار چون ناردانه شود
ایا آنک گوهر تو آری پدید	در بسته زانده تو باشی کلید

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴-۳)

نتیجه‌گیری

شاهنامه فردوسی پیونددهنده فرهنگ ایرانی از دوره پیش از اسلام به دوره اسلامی است. نمود این پیوند هم در عرصه زبان فارسی و هم در عرصه باورها و اسطوره‌ها و داستان‌ها و به‌طور کلی فرهنگ ایرانی مشاهده می‌شود؛ نخستین نمود آن در دیباچه شاهنامه آشکار است. با مقایسه مقدمه شاهنامه فردوسی با مقدمه مینوی خرد می‌توان دریافت در هر دو اثر توجه ویژه‌ای به موضوع خرد شده است. در مقدمه شاهنامه پس از ستایش خداوند، خرد نخستین موضوعی است که از آن یاد می‌شود؛ از همین آغاز اثر اهمیت و ارزش دادن به خرد آشکار است؛ همین رویکرد در مقدمه مینوی خرد نیز دیده می‌شود. از اطلاعات به دست آمده در این مقاله می‌توان دریافت که خرد، برخلاف ظاهر آشنای خود مصداق‌های متنوع و مفهوم پیچیده‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که برخی آن را تعریف‌ناپذیر دانسته‌اند و به‌جای تعریف، کارکردها و نقش و وظیفه خرد در زندگی آدمیان را شرح و تفسیر کرده‌اند. این مفهوم در شاهنامه بسیار کاربرد دارد و در بیان مفاهیم اندرزی، همواره

اصل و مبنا قرار می‌گیرد. خاستگاه‌های اندیشه و توصیف‌هایی که فردوسی درباره آن آورده است در دو فرهنگ بزرگ ایرانی - اسلامی و همچنین در متون فارسی میانه و به‌ویژه اندرزنامه‌ها ریشه دارد. در این میان مینوی خرد از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در شاهنامه فردوسی بارها واژه خرد و دانا در کنار هم آمده است و این نشان‌دهنده آگاهی فردوسی از متن مینوی خرد است:

ز دانا شنیدم یکی داستان خرد شد بر آن نیز هم داستان

شاهنامه فردوسی روحی یکتاپرستانه دارد که سویی‌های خداشناختی آن از دو خاستگاه سرچشمه گرفته است: باورهای منابع سرایش اثر (ادبیات پهلوی) و عقاید مذهبی سراینده (در جایگاه یک شاعر مسلمان). البته بسیاری از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای مربوط به ادیان و فرهنگ‌های کهن پالوده و اصلاح شده‌اند.

اخلاق عملی شاهنامه مانند اندرزنامه‌های پهلوی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و پندهای اخلاقی و حکمت عملی است که بیشتر در خطبه‌ها و سخنان پادشاهان و پهلوانان دیده می‌شود. خرد در فلسفه آفرینش، در فرهنگ ایرانی و اسلامی نقش و جایگاهی ویژه دارد. خرد نخستین آفریده خداوند و واسطه خلق جهان مادی است؛ حدیث «اول ما خلق الله العقل» (مجلسی، ۱۳۷۶ق: ۹۷) بیان‌کننده همین موضوع است.

در مینوی خرد آمده است: «از نخست من که خرد غریزی هستم از مینوها و گیتی‌ها با اورمزد بودم» (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۷۲). فردوسی نیز همین مسئله را بیان می‌کند:

نخست آفرینش خرد را شناس نگهبان جان است و آن سه پاس

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴)

کتاب مینوی خرد از نظر مباحث مربوط به خرد اهمیت بسیاری دارد و بیشترین تأثیر را بر شاهنامه فردوسی گذاشته است. از نظر فردوسی والاترین گنج‌ها، دانایی است و انسان آرمانی فردوسی، فردی است که خرد و دانش خود را برای بهی برگزیند. همه اندرزهای بیان‌شده در شاهنامه، جنبه جهانی دارد و این یکی از تفاوت‌های اندرزها و جهان‌بینی شاهنامه نسبت به متون کهن است. برپایه بررسی‌های انجام‌شده می‌توان گفت فردوسی در بیان مفاهیم اندرزی و اخلاقی خود از کتاب مینوی خرد بهره برده است و یا اینکه شاهنامه ابومنصوری و منابع دیگر فردوسی در سرایش شاهنامه از مینوی خرد بهره برده‌اند؛ در نتیجه شاهنامه نیز با واسطه از این اثر استفاده کرده و با بیانی بسیار شیوا این مضامین را پرورانده و به مخاطب خود عرضه کرده است. منابع سرایش شاهنامه فردوسی دربرگیرنده بسیاری از متون کهن است که مینوی خرد نیز در این میان جایگاهی ویژه دارد.

منابع

- ۱- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). تاریخ اساطیری ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ نهم.
- ۲- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۵۵). جاویدان خرد، ترجمه تقی‌الدین محمد شوشتری، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: دانشگاه مک‌گیل، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- ۳- احمدی، حمید؛ حسنی باقری شریف‌آباد، مهدی (۱۳۸۹). «خرد سیاسی در شاهنامه فردوسی، مبانی و ساختارها».

- فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳، ۲۱-۴۰.
- ۴- تاوادی، جهانگیر سی (۱۳۵۵). *زبان و ادبیات پهلوی (فارسی میانه)*، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۵- تفضلی، احمد (۱۳۷۷). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن، چاپ دوم.
- ۶- رضایی دشت‌ارژنه، محمود (۱۳۹۳). *شکوه خرد در شاهنامه فردوسی: سنجش تحلیلی کنش شخصیت‌ها در سنجه خرد*، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۷- رنجبر، احمد (۱۳۶۹). *جاذبه‌های فکری فردوسی*، تهران: امیرکبیر.
- ۸- زمر، آر. سی (۱۳۸۴). *زروان یا معمای زرتشتی‌گری*، ترجمه تیمور قادری، تهران: امیرکبیر.
- ۹- شاهین، غلامحسین (۱۳۹۰). *پندها و اندرزها*، تهران: تحصیل.
- ۱۰- شفیعی، محمود (۱۳۵۰). *دانش و خرد فردوسی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۱۱- صدرمحمدی، عصمت (۱۳۸۱). *پندها و اندرزهای شاهنامه*، تهران: راستین.
- ۱۲- صرفی، محمدرضا (۱۳۸۳). «مفهوم خرد و خاستگاه‌های آن در شاهنامه فردوسی»، *مجله مطالعات ایرانی*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم، شماره پنجم، ۶۵-۹۲.
- ۱۳- صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۶۲). *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۱۴- طالبی، بهروز؛ راشد‌محصل، محمدرضا (۱۳۹۳). *فرهنگ خرد در شاهنامه: پژوهشی در مفاهیم و اصطلاحات به کار گرفته شده در شاهنامه*، مشهد: آهنگ قلم.
- ۱۵- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه*، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۶- قادری، تیمور (۱۳۹۱). *تاریخ ادبیات ایران کهن و ادبیات ایرانی میانه*، تهران: مهتاب.
- ۱۷- قاسم پور، محدثه (۱۳۸۸). *بازتاب دین و فرهنگ مزدایی در شاهنامه (بررسی تطبیقی باورها، آیین‌ها و اندرزهای شاهنامه با اوستا، متون پهلوی و پازند)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه کاشان.
- ۱۸- کوورجی کویاجی، جهانگیر (۱۳۷۱). *پژوهش‌هایی در شاهنامه*، تهران: نشر زنده‌رود.
- ۱۹- *متن‌های پهلوی (بی‌تا)*. گردآورنده جاماسب‌جی، دستور منوچهر جی جاماسب‌آسانا، مقدمه‌ای از بهرام گور انگلساریا؛ دیباچه ماهیار نوایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۶ق). *بحارالانوار* جلد یک، تهران: المعارف‌الاسلامیه.
- ۲۱- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۰). *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عهد ساسانی به عصر اسلامی*، ج ۴، تهران: انتشارات توس.
- ۲۲- مزدپور، کتیون (۱۳۸۶). *اندرزنامه‌های ایرانی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲۳- معظمی گودرزی، عزت‌الله (۱۳۸۶). *شاهنامه فردوسی*، پندها و اندرزها، تهران: ابریشمی‌فر.
- ۲۴- مکزی، دیوید نیل (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۵- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۱). «کهن‌نامه ادب پارسی»، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. سال سوم، شماره اول، ۱۰۷-۱۱۹.

- ۲۶- مینوی خرد (۱۳۵۴). ترجمه احمد تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۷- نداف، ویدا؛ پاک نژاد صحنه، شعله (۱۳۹۰). «مفهوم خرد در پازند مینوی خرد»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی؛ ادب و عرفان، ۱۲۰-۱۰۹.
- ۲۸- نیکدار اصل، محمد حسین (۱۳۷۸). موعظه و حکمت در شاهنامه فردوسی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شیراز.
- ۲۹- ولف، فریتس (۱۳۷۷). فرهنگ شاهنامه فردوسی، تهران: اساطیر.
- ۳۰- هاوشکی، آرزو (۱۳۸۹). بررسی سه اندرنامه پهلوی (اندرز آذرباد ماراسپندان، اندرز دستور به‌دینان و اندرز خیم و خرد) و مقایسه آنها با اندرهای دوره اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تبریز.
- ۳۱- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۲). برگ‌هایی در آغوش باد، تهران: انتشارات علمی.
- 32- Boyce, M.(1968). Middle Persian Literature, vol.2&3, Handbuch der Orientalistik Iranistik. Netherland: E. J. Brill, (pp. 51-55)
- 33- Kent, Roland Grubb. (1953). Old Persian Grammar. New haven: American Oriental Society.
- 34- Bartholomae, Christian (1961) Altiranishes wörterbuch, Walter de Gruyter& co. Berlin.